

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

اول مارچ ۲۰۱۲

## نسلی از تبار اصالت و پایداری

(در گرامی داشت چهلمین سالگرد جانیباختن مسعود احمدزاده و دیگر یارانش)



جنايات رژيم جمهوری اسلامی فراوان اند. آن قدر زياد است که شمارش آن ناممکن می باشد. حکومتمداران کنونی ایران بهمیزانی فراتر از جمعیت یک کشور، دست به بگیر و ببند، تعرض و سرکوب کارگران و زحمتکشان و فرزندان شان زده اند. از آغاز تاکنون گرفتند و شکنجه نمودند و نه فراموش شدنی است و نه جایز است تا به هر دلیلی از اعمال کثیف هر یک از آنان صرف نظر نمود.

به راستی که تفاوت ماهوی بین این رژیم و آن رژیم - شاهنشاهی - نیست؛ آن رژیم - پهلوی - مدافع سرمایه بود و این رژیم هم در چهارچوبه خواسته های سرمایه داران جهانی به پیش می رود. هر دو در استثمار کارگران و زحمتکشان، کُشت و کُشتار و سرکوب کمونیست ها و مبارزان تفاوتی نداشته و هر دو، در به بند کشیدن آزادی ها و تخطئه جنبش های اعتراضی از خط واحدی پیروی - نموده و - می نماید. همچنان که کُشت و کُشتار جناح های رقیب و "مغلوبین" دولتی رژیم جمهوری اسلامی را نمی توان فراموش نمود و یا آن ها را بخشید، به موازات آن هم نمی توان از سر جنايات و قساوت مغلوبین حکومتی گذشت و پرونده مجریان سیاست های امپریالیستی و دست اندرکارانی همچون پرویز ثابتی را مختومه اعلام نمود. به همان دلیلی که نمی توان دار زدن ها و اعدام های دسته جمعی کمونیست ها و مبارزان توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را نادیده گرفت، به همان دلیل و میزان هم، نمی توان ددمنشی ها و جنايات رژیم شاهنشاهی را در حق بهترین فرزندان توده های ستم دیده نادیده گرفت.

سازمان امنیت مخوف شاهنشاهی - ساواک - در زمان خود، کمتر از ساوامای امروزی مرتکب جنايت و قساوت نشده است. معین است که زمان گذشت و تاریخ ورق خورد؛ اما اعمال کثیف منادیان سرمایه نه تنها به ابدیت نپیوسته

و کهنه نشده است، بلکه بازماندگان و مجریان سیاست‌های رژیم پهلوی در هر سرزمینی، قابل طرد و افشاء و مستحق باز پس دادن جنایات خود اند. چرا که هستند بی‌شمار کمونیست‌ها و مبارزانی که علی‌رغم گذشت سال‌ها، آثار و علائم شکنجه ساواک، ذهن و جسم‌شان را می‌آزراند؛ چرا که هستند مادران، پدران، خواهران و برادرانی که فرزندان، خواهران و برادرانشان را، در روزهای متفاوت با ارگان‌های سرکوبگر رژیم شاهنشاهی از دست داده‌اند. یکی از آن روزهای فراموش نشدنی و خاطره انگیز، ۱۱ اسفند [حوت] ۱۳۵۰ می‌باشد. در این روز جلالان و قدره‌بندان رژیم شاهنشاهی رفقا مسعود احمدزاده، عباس مفتاحی، اسدالله مفتاحی، مجید احمدزاده، غلامرضا گلوی و حمید توکلی را اعدام نمودند. در ۱۱ اسفند، مزدوران سلاح به دست، با فرمان شاه "شاهان" به صف شدند و آرامش آبی خود را در مشبک نمودن سینه کمونیست‌ها و مبارزان جستند. قصد داشتند تا با کوتاه نمودن عمر آزاد اندیشان، عمر خود را طولانی‌تر نمایند و به سیاق همه مال اندوزان، بر مال‌های بادآورده شان بیفزایند. به عبارتی حقیقی شاه جلا، کم جنایت نکرد و کم بدن‌ها را مثله ننمود و کم نکشت و کم نبُرد. رسالت و کار و بارش با استثمار و سرکوب بود و وابستگی عجیب و غریبی در به بند کشیدن آزادی‌ها و اندوختن ثروت داشت. به طبقه‌ای تعلق داشت که در تخالف با منافع طبقه کارگر و زحمت‌کشان بود و بی‌دلیل هم نبود که کمر به نابودی کمونیست‌هایی همچون مسعود احمدزاده و دیگر یارانش بست.

در ۱۱ اسفند، و در تپه‌های اوین کُشت تا به خیال خود، مانع گردش زمانه از مسیر حقیقی خود گردد. می‌خواست سیر تاریخ را در جهت تمایلات طبقه سودجود سمت‌وسو دهد. به گمانی واقعی خام اندیش بود و نمی‌دانست که "جزیره ثابت و آرامش" ادعائی وی، پایانی دارد، و روزی علی‌رغم قدر قدرتی و مجهز بودن به ابزار و آلات شکنجه و سلاح‌های کُشنده رنگارنگ، به زیر کشیده خواهد شد و رژیمش به‌مانند همه رژیم‌های ننگ و نفرت، به تاریخ و به ابدیت خواهد پیوست و در مقابل، ۱۱ اسفندها به‌عنوان روزهای پایداری و اصالت کمونیست‌ها در ذهن هزاران انسان آزاده و مدافع منافع کارگران و زحمت‌کشان به یادگار خواهد ماند.

چهار دهه است که از جانب‌اختن چریک‌های فدائی خلق احمدزاده‌ها، مفتاحی‌ها، گلوی و توکلی می‌گذرد؛ اما خوش‌بختانه فداکاری‌ها و افکار این رفقاء نه تنها کهنه و از کار نیفتاده است بلکه جامعه سراسر ظالم و تباہی و جامعه سراسر سرکوب، از خلاء چنین کمونیست‌های عمل‌گرائی در رنج و عذاب می‌باشد. معین است که پیشرفت هر انقلابی با پایداری و نقش آفرینی نسل‌هایی از تبار دهه چهل و اوائل دهه پنجاه، گره خورده است؛ معین است که بدون پی‌گیری راه راجویان انقلاب و بدون حضور و دخالت‌گری کمونیست‌ها و آن‌هم با چشم‌انداز و با برنامه‌ای روشن، رژیم جمهوری اسلامی بر استثمار و سرکوب کارگران و زحمت‌کشان تداوم خواهد بخشید. با این اوصاف هیچ گرامی‌داشتی و الاثر از پی‌گیری راه رزمندگان ۱۱ اسفند و همه کمونیست‌های به خون خفته نیست و در یک کلام باید تأکید و رزید که اصالت و پایداری از منافع و آرمان کارگران و زحمت‌کشان با انتخاب میدان اصلی مبارزه مربوط می‌شود؛ راه و مکانی که مسعود احمدزاده و دیگر یارانش انتخاب نمودند و تا آخرین لحظه ایستادند و جان دادند.

یادشان گرامی باد

۲۹ فیروزی ۲۰۱۲ ۱۰ اسفند [حوت] ۱۳۹۰